



در تاریخ چندین هزارساله و پر از فراز و نشیب ایران، بویژه از زمان صفویه تا به امروز، چهار گروه در جامعه ایرانی همواره فعال بوده اند که موجب پیشرفت و آبادانی - و نیز - عامل همه سیه روزی ها، بدبختی ها، پسرفت ها و نگوینختی های ملت ایران بوده اند:

۱. میهنپرستان

۲ - بی تفاتها؛

۳ - سیاستمدار پرستان (دیکتاتورسازان)؛

۴. و بیگانه پرستان!

گروه یکم: میهنپرستان

افراد این گروه هرگز برایشان مهم نبوده و نیست که چه نظام و یا چه شخصی برسر قدرت است و تا آنجایی که نظام یا سیاستمداران حاکم برای کشور و ملت گام‌های مثبت برداشته و در راستای مصالح و منافع ملی انجام خویشکاری‌های [وظایف] خود را انجام دهند؛ و در پرورش و زنده نگاهداری فرهنگ و تمدن ایرانی کوشا باشند؛ از تمامیت ارضی کشور و یکپارچگی ملت و کشور از درنگ دریغ نکنند، از او همواره حمایت و پشتیبانی میکنند - و بیدرتنگ که اشتباهی مرتکب شوند، از او یا نظام انتقاد میکند! رهبران این گروه نیز، خود را نیازمند ستایش و تجلیل مردم نمی‌بینند - بلکه دفاع از کشور را یک خویشکاری [وظیفه] دانسته و خود را خادم و رعیت و نوکر کشور و ملت میدانند.

همچنین، تاریخ کشورمان نشان داده است که هر زمانی که این گروه در نظامهای کشور نفوذ و یا قدرت بدست گرفته است، زمانی بوده که ایران بسوی پیشرفت و آبادانی حرکت کرده است. تاریخ نشان داده است که این گروه همواره جان برکف در دفاع از کشور آمده و همیشه جور سه گروه دیگر را کشیده - و امروز هم که ایران یک کشور است و ملتی بنام ایرانی پس از چندین هزار سال بزندگی خود ادامه داده است، تنها و تنها بخاطر وجود و فداکاریهای همین گروه بوده است. شاخص این گروه در تاریخ معاصر ایران را رضاشاه پهلوی می‌توان نام برد.

گروه دوم: بی تفاوتها

شوربختانه، اعضای این گروه که در اکثریت هم بسر می برند، نبودشان بهتر از بودنشان است. افراد این گروه بیهوده به جهان آمده، بیهوده در این جهان زندگی میکنند و بیهوده تر از این جهان خواهند رفت. گروهیست بی عرضه و ترسو، بزدل و فرصت طلب؛ در زمان شکستها دیگران را سرزنش میکنند و در زمان پیروزی ها، خود را نه تنها شریک، بلکه پیشگام پروزمندان می پندارند! یکی از ویژگیهای بارز این گروه برای شناسایی آنان، رجزخوانی و شعارهایی همچون "ولش کن بابا" و "کی حالشو داره" سر دادن و تبلیغات پوچ فراجوانی کردن است!

گروه سوم: سیاستمدار پرستان

اکثراً فرزندان گروه پیشین میباشند، که همیشه با تعصب ویژه ای از سیاستمداران حاکم بر کشور یا از قدرت افتاده گانی که در پی کسب قدرتند، برای خود بتی میسازند تا مانند بره ای دنباله روی کرده و با دولا و راست شدن و بله قربان گفتن، فرش در زیر پای دیکتاتورها شوند.

افراد این گروه که سزاوار "الهی ها" خواندند، همواره در پی امامسازی، خدایگانسازی، قبله عالم سازی، حضرت اشرف سازی و غیره بت سازی می باشند. یکی از ویژگی های این گروه، بتهای خود را عاری از هر گونه گناه و اشتباهی می بینند و بدینروی هم عقل و خرد و هوش و جان و هستی خویش را درست، در اختیار بت خود قرار میدهند؛ - بگفته ای دیگر، این گروه در تاریخ کشورمان نه تنها همواره نقش "دیکتاتورسازان" را در ایفا کرده اند، بلکه کسانی هستند که دیکتاتورها را در جایگاه قدرت نگاه میدارند! ه

مچنین، افراد این گروه چون از خرد، نیروی عقلانی، سواد و اراده در سطح پائین تر جامعه قرار دارند نه از گذشته و تاریخ درس میگیرند و نه توان دوراندیشی و تجزیه و تحلیل مسائل را دارند، زیرا که دین، ایمان و باورهایش نه تنها بستگی به تصمیم و خواسته های بتشان دارد، بلکه به آسانی مورد شستشوی مغزی قرار میگیرند!

یکی دیگر از ویژگیهای بارز این گروه "توهم دانستن" است! یعنی با خواندن جمله ای خود را خردمند و پس از مطالعه مقاله ای خود را روشنفکر و دانشمند میپندارند؛ "شتاب زده" و "رجزخوان" و "شعار سرده" میباشند و با "خوردن غوره ای سردیشان و با فرو دادن مویزی گرمیشان" میشود! این گروه، همچنین همواره مورد بهره بردای گروه چهارم قرار میگیرند!

تاواپسین بیگانه پرست کفن نشود، ایران آزاد و آباد نشود!
اگر ما 'ایرانیان' به همان اندازه ای که در کشورمان
بیگانه پرست و مجذوب و مهیوت غرب و عرب و عبری داریم،
'ایران پرست' می‌داشتیم، اکنون ایرانمان بهشت برین و
تاکنون برای خود، ده‌ها امپراتوری دیگر، همچون هخامنشیان بساخته بودیم!

شاپور سورنپهلو

www.suren-pahlav.com

گروه چهارم: بیگانه پرستان

در حقیقت افراد این گروه "زائده‌های" گروه پیشینند، که گروه خائن و وطنفروش "اصلی" جامعه ما را تشکیل می‌دهند. با آنکه اعضای این گروه در اقلیت بسر می‌برند، ولی خطرشان از دو گروه پیشین بیشتر است!

این گروه همیشه چمن همسایه را سبزتر از چمن خانه خود می‌بیند؛ رفاه را در زیر چکمه یا در کوله پشتی سربازان بیگانه می‌جویند؛ با خودزنی، ایرانی را خوار و دون مایه و بی اراده می‌بینند و متوهمانه، بیگانه (عرب، ترک، اسرائیلی، آمریکایی، آلمانی، انگلیسی و غیره) را از ایرانی بهتر می‌پندارند؛ از بیماری عقده حقارت رنج برده - و چون از هویت و فرهنگ ملی خود نا آگاه‌اند، بدینروی مشکلات و ناهنجاریهای روز جامعه را پای "فرهنگ ملی" و "کشور" گذاشته و با بهتر پنداشتن فرهنگ بیگانه سرانجام کشور خود را بحراج گزاردده و با دریافت مواجب، ایرانفروشی و مزدوری بیگانه را میکنند!

پایان سخن

هم میهن گرامی، بی تفاوتی، سیاستمدارپرستی (دیکتاتورسازی) و بیگانه را بر ایرانی ترجیح دادن، به همان اندازه وطنفروشی و خیانت است که یک ایرانی-نما خود را با دریافت پول به بیگانه میفروشد!

به امید روزی که ایران و ملت شریف ایران از وجود سه گروه "دیکتاتور سازان"، "بی تفاوت ها" و "بیگانه پرستان" رهایی یابد.

شاپور سورنپهلو

روز زامیاد از ماه آبان سال ۳۷۴۷ بهدینی

۱۳ نوامبر ۲۰۱۰ ترسایی

